

آثار ادبی

از پلورن

ترجمه روشن ضحیر

نغمه پائیز

آرزوها بزیر خاک برم !

روزهائی که باد پائیزی خیزد و ناله ها برانگیزد
از درختان بید و تبریزی برگها يك يك فرو ریزد ،
می نشینم بگوشه ای بیحال
جان وتن از ملال مالا مال ...

زنك ساعت چو با صدای حزین رفته ها را بیاد می آورد ،
دیدگان فسرده و غمگین نرم نرمك سرشك میبارد ،
بکجارتی ای جوانی من ؟
عزت و عیش و کامرانی من !

دوره شادی و جوانی من همچو باد آمد و چو باد گذشت
ای دریغا که زندگانی من باغم و حسرت زیاد گذشت !
و آنهمه شور و شوق و جذبه و حال
وای بر من که خواب بود و خیال !

حال مانند برگ پژمرده میروم هر کجا که بادبرد !
نه دلی را بسازم آزرده نه کسی ناله مرا شنود .
زین جهان فنا چو در گذرم
آرزوها بزیر خاک برم .